

توطئه های انگلیس علیه حکومت امانی به مناسبت نودومین سالگرد استرداد استقلال افغانستان (قسمت ششم)

علل قبولی پیشنهاد متارکه توسط غازی امان الله خان

مطابق به پلان جنگی افغانها، قرار بود جنگ استقلال در تمام جبهات در یک تاریخ معین و همزمان با حملات اقوام دوطرف سرحد، قیام مردم در پشاور و رستاخیز آزادی طلبان هند آغاز شود. اما در جریان جنگ اوضاع تغییر نموده و غازی امان الله خان بنا بر دلایل ذیل خواست متارکه پیشنهادی انگلیس ها را قبول و برای رسیدن به هدف اصلی، که استرداد استقلال کامل سیاسی افغانستان بود، درین جنگ نابرابر راه مذاکرات را در پیش گیرد:

1. ناکامی قوای عسکری افغان در جبهه خیبر و ناتوانی عمومی شان در پیشروی به قلمرو هند بریتانوی یکی از عوامل عمده قبولی پیشنهاد متارکه بود. اگر چه نیرو های قومی در تمام جبهات پیروزی های چشمگیری را بدست آوردند، اما آنها نمیتوانستند برای مدت طولانی مواضع اشغال شده را نگهدارند و باید آنرا در یک فرصت مناسب مثل مناطق فتح شده در جبهه چترال و کنر به نیروهای نظامی افغان مسپردند.
2. شکست قیام مردم پشاور و ناکامی پلان های میرزا غلام حیدر خان، دستگیری و تبعید او و سران کمیته انقلابی پشاور به "برما" نیز یکی از علل قبولی متارکه جنگ بود.
3. فروکش و سرکوبی قیام سرتاسری مردم در داخل هند بریتانوی هم نقش خود را داشت. آنطوری که نماینده امان الله شاه در هند و انقلابیون هندی در کابل راپور داده بودند، با حمله افغان ها قیام در هند شروع نشد. مخالفت شدید مردم هند با قانون راولت Rowlatt Bill که اجازه میداد مخالفین دولت را بدون محاکمه برای دو سال روانه زندان کنند، اعلام نافرمانی ملکی توسط گاندهی رهبر حزب سرتاسری کانگرس هند، و قتل عام بیرحمانه مردم در باغ جالیانوالای امرتسر تحت قوماندۀ "جنرال دایر" General Reginald Dyer که در آن ۳۷۹ نفر کشته و بیش از ۱۲۰۰ مجروح شدند، سبب شد احساسات آزادیخواهی مردم به جوش آمده و روحیه همکاری بین هندوان و مسلمانان تقویت یابد. اما انگلیس توانست به زور اسلحه و قوای نظامی مردم ستمدیده و غیر مسلح را به شدت سرکوب و پراکنده کند. در ایالت سرحدی شمال غربی هم اندکی قبل از براه افتادن جنگ سوم افغان- انگلیس، اولین جلسه عمومی و اعتراضی در "اتمان زائی" به رهبری خان عبدالغفارخان تشکیل شد. اما انگلیس ها وی و رهبران دیگر شرکت کننده در گرد همائی را زندانی کردند.
4. سهم نگر فتن بعضی از قبایل سرحدی در جنگ عامل دیگر بود. مقامات انگلیسی که همیشه برای نفوذ از پول و تحایف بزرگ بحیث یک حربه استفاده نموده اند، اینبار نیز به همکاری بی نظیر صاحب زاده عبدالقیوم خان، معاون نماینده سیاسی خیبر توانستند از شرکت بعضی اقوام سرحدی در جنگ جلوگیری نمایند. صاحب زاده عبدالقیوم خان که بعداً در سال ۱۹۳۷ به مقام اولین صدراعظم ایالت سرحدی شمال غربی ارتقا کرد قبلاً نیز موفق شده بود از جنگهای آزادی بخش قبایل افریدی جلوگیری نموده مورد ستایش و تمجید مقامات انگلیسی قرار گیرد (۱).
5. برتری وسایل جنگی انگلیس ها و استفاده از آخرین انکشافات تکنالوژی در خدمت جنگ که قبلاً به آن اشاره شده است.
6. استعمال قوای هوایی توسط انگلیس ها در جنگ سوم افغان و انگلیس برای افغانها یک پدیده جدید بود. افغان ها که قبلاً با طیاره آشنایی نداشتند، بمباران "بکه"، جلال آباد و کابل را توسط هواپیما های که ماورای موانع سرحد جغرافیوی و کوه ها و دشت ها پرواز نمایند، را پیشبینی نکرده بودند. جنرال چارلس مونرو، قوماندان عمومی قوای نظامی هند بریتانوی معتقد بود که حملات قوای هوایی شان یکی از عوامل مهم میلان افغان ها به متارکه بود (۲).
7. استفاده انگلیس ها از ستون پنجم و ایجاد ناامنی و چور و چپاول در جلال آباد توسط عمال شان نیز یک عامل دیگر پیش بینی نشده بود.
8. گرچه نرسیدن کمک های متوقع از روسیه عامل عمده نبود، اما قابل یادآوریست که غازی امان الله خان در برابر انگلیس ها به یک متحد ضرورت داشت. برسمیت شناختن افغانستان بحیث یک کشور مستقل و برقراری مناسبات دیپلماتیک بین اتحاد جماهیر شوروی و افغانستان ضربه محسوسی بر مواضع بریتانیا وارد آورد. مولوی برکت

الله هندی که حامل پیام هیئت افغانی به مسکو بود، طی نخستین یادداشتش به لنین، انگلیس ها را دشمن مشترک اسلام و بلشویزم دانسته، پیشنهاد کرد که با امیر جدید افغان بر ضد تسلط انگلیس بر هند پیمان نظامی ببندد و خواهش کرد یک میلیون پوند استرلینگ و مقادیری جنگ افزار به دسترس کابل بگذارد (۳).

اعلان متارکه

پیشنهاد صلح انگلیس هاهم عوامل مختلف داشت. آنها نیز که توانمندی ادامه جنگ را نداشتند و بدون جبهه خیبر تقریباً در تمام جبهات شکست خورده بودند، نه تنها از نزدیکی روابط افغانستان با بلشویک ها در هراس بودند، بلکه از خشم مسلمانان هند نیز میترسیدند. خشمی که بعد از شکست و اهانت ترکیه، یکی از محدود کشور های باقیمانده آزاد اسلامی ناشی میشد.

اما در سرشت نیرنگ بازی انگلیس است که آنچه را نمی تواند بزور بدست آورد، به یاری چال های دیپلوماسی به چنگ بیاورد. انگلیس ها که اهمیت ختم هرچه زودتر این حالت را میدانستند، و توسط جنرال مالیسن General W. Malleson رئیس هیئت نظامی شان برای آسیای مرکزی، از برسمیت شناختن افغانستان آزاد و مستقل توسط روسیه بلشویکی اطلاع یافته بودند، و این اقدام را یک انتلاف بین پان اسلامیزم و بلشویزم و یک انکشاف خطرناک اوضاع در اسما پنداشته ادامه جنگ را به نفع بلشویزم میدانستند، باز نیرنگ بازی های شانرا آغاز کردند. مقامات انگلیسی در مرکز از حکومت هند بریتانوی خواست که بر افغانها آشکار سازد که گویا افغانها به حیث یک ملت شکست خورده تلقی شده و شرایط صلح را افغانها نه، بلکه انگلیس ها پیشکش خواهند کرد (۴).

انگلیس ها در رابطه با مذاکرات و شرایط متارکه نیز سیاست دو رویه تطمیع و تهدید را در پیش گرفتند. دنیس بری Denys Bray سکرتر خارجه برای امور هند عقیده داشت که در برابر امان الله خان از سیاست به اصطلاح بزرگواری یعنی رشوت و تطمیع استفاده شده و با وی آشتی کنند. زیرا به افغانستان بحیث یک بفر (حائل) ضرورت و احتیاج داشتند بدون همکاری افغان ها صلح در سرحد تأمین نمیگردید. لذا دنیس بری بازگشت روزهای قدیم را آرزو داشت. وی میخواست که افغانستان باز هم محافظه کار باشد. دروازه های خود را بر روی خارجی ها و بخصوص روس ها بسته در امور خارجی تابع سیاست انگلیس باشد و در رابطه با قبایل سرحدی روش دوستانه فاعلتر داشته باشد.

"بری" شرایط ذیل را به غازی امان الله خان پیشنهاد کرد:

1. کنترل امور خارجی افغانستان
2. بهبود بخشیدن وضع و موقف نماینده بریتانیا در کابل و قندهار
3. مرخص نمودن تمام خارجی ها در یک لحظه
4. به هیأت های ممالک خارجی در افغانستان اجازه داده نشود
5. قبول سرحد قدیم به استثنای آنجائیکه بریتانیا تعدیل کرده است
6. تسلیم دادن یا اخراج "بلوا کنندگان و فتنه انگیزان" هندی
7. واگذار نمودن و یا مرخص نمودن محمود طرزی و عبدالقدوس خان
8. ملغی نمودن دفتر پسته افغان
9. بریتانیا حق دارد توريد اسلحه را به افغانستان تنظیم نماید
10. افغانستان نباید قبایل را مسلح سازد
11. تماس مستقیم بین صاحب منصبان سرحد تأسیس گردد
12. قید و قیود از قبیل قطع معامله در چمن از میان برداشته شود
13. باغی ها و متهاجمین بصورت دایم از سرحد طرد گردد
14. اعانه ایکه به افغانستان تأدیه میگردد از سابق کمتر گردد مشروط به اینکه افغانستان روابط دوستانه با ما داشته باشد (۵).

وقتی این تلاش های انگلیس به نتیجه نرسید، "بری" خاطر نشان نمود که بریتانیا آماده بود به پاداش خدمات حبیب الله مسأله قیمومیت و سرپرستی خویش را در ساحة روابط خارجی افغانستان زیر غور و بررسی قرار دهد. ما حتی آماده بودیم که با جبین گشاده آن حقیقت مسلمی را که امان الله پیش روی ما گذاشت، بپذیریم، اگر او با ما آشکارا خصومت نمیورزید. لیکن "بری" عقیده داشت که چنین پیشنهاد را نمیتوان از طریق تهدید جنگ پذیرفت (۶).

متارکه به تاریخ ۳ جون ۱۹۱۹ اعلام، همیلتون گرنت Hamilton Grant بحیث رئیس هیئت بریتانوی و راولپندی محل مذاکرات تعیین شد. در ضمن نائب السلطنه شرایط متارکه را تعدیل نموده پیشنهاد نمود که افغانها باید بیست میل از جائیکه حالا سنگر گرفته اند، عقب کشند و عساکر بریتانیا در همان جائیکه هستند، میباشند و آزادی عمل خویش را حفظ مینمایند، بدون اینکه قدمی به جلو بردارند. طیارات بریتانیا به عملیات اکتشافی ادامه میدهند و نباید افغانها بر آنها تیراندازی کنند. اگر کدام پیلوت بریتانوی در قلمرو افغانها مجبور بفرود آمدن گردد، طیاره مزبور باید صحیح و سالم بحکومت هند تسلیم داده شود. بلاخره قبایل در هر دو طرف سرحد باید از تجاوز بپرهیزند. باید آنها را از آتش بس مطلع

ساخت و در عین زمان به آنها اخطار داده شود که اگر بر نیروهای بریتانیا حمله کنند، از افغانها کمک خواسته نمیتواند. نایب السلطنه پیشنهاد کرد که کنفرانس صلح در راولپندی دایر گردد(۷).

بعضی از مخالفین غازی امان الله خان این شرایط غیر قابل قبول لارڈ چلمسفورد را که به تاریخ سوم ماه جون ۱۹۱۹ برای آتش بس پیشنهاد کرد، اشتبهاً شرایط قبول شده توسط غازی امان الله خان پنداشته او را مورد انتقاد قرار میدهند. برویت اسناد موجود در آرشیف دفتر هند انگلستان، غازی امان الله خان به جواب نامه نایب السلطنه در نامه شماره ۶ تاریخ ۱۲ ماه رمضان ۱۳۳۷ هجری قمری، مطابق ۱۱ جون ۱۹۱۹ میلادی ضمن اظهار خرسندی از تلاش های دوطرف برای صلح یاد آور شد که افغانها در گذشته متجاوزین را شکست داده اند. افغانها در حالیکه از آئین و مذهب شان نیرو میگیرند، مرگ را سبب احیا میشمردند و بنا بر خصلت اسلامی شان مرگ ظاهر و هویدا را بر زبردستی اجانب ترجیح میدهند و آنرا حیات ابدی میپندارند. غازی امان الله خان در مورد شرایط پیشنهادی متارکه انگلیسها نوشت که خواست های شما ناممکن است. تمام افغانها سرباز و فرقی با عساکر ندارند، پس چطور میتوان هزاران هزار نفر و مردم قبایل را از قریه هایشان بیرون و در میدان های کمپ های زمستانی مقابل قوای بریتانوی انتقال داد؟ (۸) غازی امان الله خان از نظامیان خواهش کرد که در همان جائیکه هستند، باقی بمانند. وی پرواز طیاره های بریتانیا را بر قلمرو افغانستان مورد اعتراض قرار داده گفت که از آنجائیکه در هر حویلی تفنگ وجود دارد، وی حتی اگر امر کند، مردم از تیراندازی بر طیاره های بریتانیا خودداری نمی نمایند. پس بدینصورت صلح به آسانی توسط کسی که سو نیت داشته باشد، در خطر می افتد. غازی امان الله خان انتخاب راولپندی را بحیث محل مذاکرات قبول کرد و اسم اعضای هیئت افغانی را زیر ریاست علی احمد خان، وزیر داخله اعلان کرد (۹).

غازی امان الله خان طی فرمانی عنوانی میرزمان خان کنری، قوماندان جبهه چترال و کنر، در رابطه با آتش بس نوشت که چون دولت بریتانیا خواهان صلح بوده و درین رابطه مکاتیبی هم تبادل شده است، تا اطلاع ثانی لشکر های نظامی و ملکی را در مواضع شان به حالت آماده باش داشته و از حمله بر دشمن خودداری کنید. اگر یک صلح آبرومند بدست آمد و احترام و عزت افغانستان حفظ گردید از آن چه بهتر، و در غیر آن جهاد را ادامه خواهید داد. درین فرمان از ۲۰ میل عقب نشینی از سنگر های فعلی هیچ ذکر می نماید. مشاهده نمیرسد. عبدالخالق اخلاص که خود در جبهه چهارم جنگ استقلال شرکت داشت در صفحات ۴۹-۵۰. استقلال امانیه که در سال ۱۳۰۴ شمسی مطابق با ۱۹۲۵ میلادی به نشر رسیده است ترجمه منظوم پشتوی این فرمان را چنین ذکر کرده است:

او په باب کي دجهاد هسي فرمان دئ	چی دولت بریتانیا صلح جویان دئ
هم جگاري په منځ کي دئ مکاتبت	یو تر بله دئ جگاري مکالمت
تاته حاکم او ارشاد عظیم الشان	هسسی شان زما دلوري دئ عیان
هر چي پوج نظامي او که ملکي وي	چی هر څوک مجاهدین او لښکري وي
آماده دي په خپل خای دلته قاعد وي	په خدمت د خپل ملت دي مستعد وي
او حمله دي په کفارو نه کويڼه	تر هغي چي ثاني حکم صادر شينه
که حاصله چيرته صلح په عزت شوه	په شرف او په مقصود ددي دولت شوه
اطلاعي به تر تاوي هم ارشاد	او که نه وه، شي به حکم دجهاد

پیروزی افغان ها باعث مشاجره بین لندن و هندبریتانوی شد

در تاریخ معاصر، افغانستان یکی از نخستین کشور های شرقی بود که به استقلال دست یافت. استرداد استقلال افغانستان به پرستیز انگلیس ها صدمه شدیدی وارد کرد. در نتیجه جنگ استقلال، انگلیس ها سرحدات پریشان کنی را به میراث گرفتند که حتی تا به امروز هم به حالت قبل از جنگ برنگشته است. متارکه و بعداً عقد پیمان صلح با انگلیس ها اگر چه خط دیورند را به رسمیت شناخت، اما به قبایل حق تعیین سرنوشت را بخود شان داد(۱۰).

برسمیت شناختن استقلال در لندن ایجاد سردرگمی کرد. عده زیادی از انگلیس ها میپنداشتند که سیاستمداران آنها چیزی را از دست دادند که برای بدست آوردن آن از مردان خود خواسته بودند برایش بمرند، و آن کنترول افغانستان بود (۱۱). روز کیپل به تاریخ ۴ جون به نایب السلطنه نوشت "امان الله آتشی را افروخته است که خاموش کردن آن برای ما بسیار دشوار خواهد بود"(۱۲).

در پارلمان انگلستان لارڈ سیدنهم Lord Sydenham ندانسته جمله کرزن را تکرار کرد که گفته بود "چیزی که بر من تأثیر ناگوار دارد، برخورد فاتحانه است که افغان ها در همه این مدت از خود نشان میدادند. مونتیگو در مکتوبی به نخست وزیر پیشنهاد کرد که نایب السلطنه چلمسفورد را از عهده اش برطرف کند، وی حتی مسوده مکتوب برطرفی چلمسفورد را آماده ساخت، اما آنرا نفرستاد.

قوماندان عمومی قوای انگلیس، جنرال میونرو گفت "مناسبات سیاسی ما با امیر باید عمیقاً تغیر یابد. ما نمیتوانیم درین سوی سرحد با چشم بسته باقی بمانیم". و برای بهتر ساختن رویت شان به ایجاد یک شعبه مخصوص استخبارات برای هم آهنگی فعالیت های شان در افغانستان پرداختند(۱۳).

یادداشت ها

- 1 . زمانی، عبدالرحمن خان (۲۰۱۰). په آزاد سرحد کي خپلواکي غوښتونکي مبارزې او دموندو په مشهورو غزاگانو کي د غازي ميرزمان خان ونډه، صفحات ۱۰۳ - ۱۰۴ و ص ۱۴۴.
- ۲ . Longoria, Major Michael (1992). A Historical View of Air Policing Doctrine: Lessons from the British Experience between the Wars, 1919-1939. (Thesis paper, Air University, USA).
- ۳ . تیخانف، داکتر یوری - ترجمه عزیز آریانفر. نبرد افغانی استالین (سیاست قدرت های بزرگ در افغانستان و قبایل پشتون) ، صفحات ۴۳-۴۵.
- ۴ . تلگرام مؤرخ ۹ جون ۱۹۱۹ سکرتر خارج به نایب السلطنه هند.
- ۵ . آدمک، لودویک، دلبیو (۱۳۴۹). تاریخ روابط سیاسی افغانستان از زمان امیر عبدالرحمن خان تا استقلال. ترجمه پوهاند علی محمد زهما، صفحات ۱۶۰-۱۶۱.
- ۶ . Adamec, L. W. (1967). تاریخ دیپلوماتیک افغانستان بین سالهای ۱۹۰۰ و ۱۹۲۳، ص ۱۱۹.
- ۷ . اسناد استخبارات انگلیس L/P&S/10/819, P422
- ۸ . اسناد استخبارات انگلیس L/P&S/10/819, P496
- ۹ . همانجا
- ۱۰ . تیخانف، داکتر یوری (ترجمه عزیز آریانفر) . نبرد افغانی استالین (سیاست قدرت های بزرگ در افغانستان و قبایل پشتون) ، ص 396 .
- ۱۱ . Stewart, Rhea Talley (1973). Fire in Afghanistan, 1914-1929: faith, hope, and the British Empire. (آتش در افغانستان) ، ص ۹۵.
- ۱۲ . همانجا، ص ۹۶.
- ۱۳ . همانجا